



## کم کاری مسلمان در اداره‌های کشور غیر اسلامی و مخالفت با قوانین

کامل با تخلف از حضور تمام وقت رسمی.  
 ۲. در صورت مخالفت با مقتضای عقد یا شرطی که شرعا نافذ باشد یا با تنفیذ حاکم شرع نافذ شده باشد مانند شروطی که ضمن معامله است و مخالف حکم شرع نیست.  
 ۳. اگر موجب اخلال در نظام جامعه باشد مانند قوانین راهنمایی و رانندگی.  
 ۴. اگر مستلزم مفسده مهمی باشد که شرع به آن راضی نیست مثلا اگر مستلزم هتک اسلام یا مسلمین یا مذهب تشیع یا پیروان آن باشد یا موجب زیان رساندن به نفوس محترم باشد و مانند آنها.  
 و اما اگر مخالفت با قوانین دولت مستلزم هیچ کدام از این امور و امثال آنها نباشد پس اگر مخالف شرع باشد ارزش و اعتباری ندارد اما اگر مخالف شرع نباشد معظّم له اجازه آن را نمی‌دهند و در این صورت رجوع به فقیه‌ی دیگر با رعایت الاعملم فالاعلم جایز است.

(شفقنا)

### پاسخ آیت الله العظمی سیستانی

**پرسش:** مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی و در یک دفتر و یا اداره دولتی، به طور رسمی و ساعتی کار می‌کند و یا در موسسه‌ای به صورت قرار دادی مشغول کار است و حقوق و دستمزد می‌گیرد آیا او می‌تواند کم کار کند یا سستی و کم کاری نماید و هر گاه چنین کرد تمام حقوق و دستمزد را مستحق می‌شود؟



**جواب:** چنان کاری جایز نیست و اگر کم کاری کرد، همه حقوق و دستمزد را استحقاق پیدا نمی‌کند.

**پرسش:** آیا مخالفت با قوانین و مقررات جایز است؟

**پاسخ:** مخالفت با قوانین دولت در چند مورد جایز نیست:  
 ۱. در مورد تصرف در اموال دولت مانند گرفتن حقوق

## آیت الله بهشتی:

### عاقبت تحمیل مسلمان بودن، طغیان مردم علیه این تحمیل است.

داشت، پافشاری می کرد، زحمت می کشید، خودش را به رنج و تعب می انداخت که مردم را به راه خدا بیاورد) که ای پیغمبر کار تو هم حد دارد. «اذا انت تکره الناس حتی یكونوا مومنین» تو می خواهی مردم را وادار کنی، مجبور کنی که آنها مومن باشند؟ اینکه راه پیغمبر نیست.

توصیه من به طلاب عزیز و به فضلالی ارجمند این است که منادی حق باشید، دعوت کننده به حق باشید، امر به معروف و ناهی از منکر با رعایت تمام معیارهای اسلامی اش باشید، اما مجبور کننده مردم در راه اسلام نباشید، چون آن مسلمانی ارزش دارد که از درون انسان ها و عشق انسان ها بجوشد و بشکفتد. ندیدید مردم ما در این دوران پر ارزش انقلاب از خودشان چه خودجوشی و چه خود شکوفائی نشان دادند؟

بزرگ ترین اصل بعد از پیروزی یک انقلاب چیست؟ تداوم همان انقلاب است، همین طور که مردم ما با آزادی به راه اسلام آمدند و رهبری عالی اسلامی ما را آزادانه پذیرفتند، بگذارید در تداوم انقلاب هم مردم آزادانه راه خدا و راه اسلام، راه حق و راه خیر و صفا و راه صدق را انتخاب کنند و ادامه دهند، این است سفارش من به طلاب و فضلالی عزیز.

(روزنامه اطلاعات، اسفند ۱۳۵۷، ش ۱۵۸۰۱، ص ۵)

بخشی از سخنان آیت الله شهید بهشتی در مسجد اعظم قم خطاب به طلاب حوزه علمی: به طلاب و فضلالی حوزه هم یک پیشنهاد دارم و آن پیشنهاد این است که به مردم ایران فرصت بدهید تا آگاهانه و



آزادانه خود را بر مبنای معیارهای اسلامی بسازند و این خودسازی را بر مردم ما تحمیل نکنید. آگاهی بدهید، زمینه سازی کنید برای رشد اسلام، ولی بر مردم هیچ چیز را تحمیل نکنید. انسان بالفطره خواهان آزادی است، می خواهد خودسازی داشته باشد، خودش، خودش را بسازد، اما بر خلاف دستور قرآن مبدا مسلمان بودن و مسلمان زیستن را بخواهید بر مردم تحمیل کنید، که اگر تحمیل کردید آنها علیه این تحمیل تان طغیان خواهند کرد. انسان عاشق آزادی است، می خواهد خودش به دست خود و با انتخاب خود، خود را بسازد، «اما شاکرا و اما کفورا»؛ آنقدر تحمیل راه و عقیده بر انسان ها نامطلوب است که خدا به پیامبر اکرمش خطاب می کند. (پیغمبر اصرار

### برخی نهی از منکرها منجر به کفر و ارتداد مخاطب می شود.

مدارای با مردم هم داده است.» گفت: معمولاً تلقی ما از مدارا این است که اولاً مدارا یک حکم اخلاقی است و الزامی در مورد آن نیست و ثانیاً مدارا مربوط به واجبات و محرمات نیست. ولی از روایات استفاده می شود مدارا به شکلی که ما تصور می کنیم نیست.

مورد امر قرار گرفتن، ذاتاً خوشایند انسان نیست؛ لذا برای امر کردن باید از زبان نرم، استفاده کرد. امام خمینی معتقد است نهی از منکرهای همراه با تندی می تواند فرد را به منکرهای بالاتر و حتی کفر و ارتداد برساند.

به گزارش دین آنلاین، این استاد حوزه در جلسه درس

آیت الله محمد سروش محلاتی، استاد حوزه علمی قم با اشاره به جایگاه مدارا در دین اسلام بر لزوم توجه به آن به خصوص در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، تأکید کرد. وی با اشاره به روایت نبوی: «أَمْرٌ بِرَبِّی



بِمَدَارَةِ النَّاسِ، کَمَا أَمْرٌ بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»؛ همان طور که خداوند به من دستور به فرائض داده است دستور به

خارج اصول فقه ادامه داد: گاهی ما با مدارا نکردن می‌خواهیم برای حکمی که نسبت به آن مسامحه و کوتاهی می‌شود جدیت به خرج دهیم تا این حکم انجام گیرد؛ مثلاً شخصی که حجابش را رعایت نمی‌کند با زور و فشار، وادار می‌کنیم این تکلیف را انجام دهد. این رفتار هم برآمده از این اعتقاد است که اگر مدارا کنیم موجب می‌شود او وظیفه‌اش را درست انجام ندهد. با اینکه ممکن است شما یک تکلیف را با زور و فشار به انجام برسانید ولی این عدم مدارای شما نسبت به تکالیف دیگری، چه آثاری برجا می‌گذارد؟ آیا این فرد در اینجا که فشار را بپذیرد در بقیه امور هم وظایف و تکالیف خود را انجام می‌دهد؟ یا چون نمی‌تواند در برابر شما مقاومت کند امر شما را می‌پذیرد ولی تأثیر منفی خود را در امور دیگر نشان می‌دهد و نوعی تنفر از مسائل دینی به وجود می‌آید و موجب فاصله گرفتن او از دین می‌شود؟

آقای سروش محلاتی با اشاره به لزوم سنجش آثار هر عمل اجتماعی به خصوص در حوزه دینداری افزود: می‌توان مشاهده کرد اگر در یک مورد مدارا شود مجموعاً به نفع دین‌داری است نه به ضرر دین‌داری. بر اساس همین سنجش آثار مدارا، ممکن است مدارا حتی واجب و الزامی هم بشود. وی با اشاره به روایت حدیث جنود عقل و جهل از امام صادق (ع) که رفق و مدارا را از جنود عقل بر شمرده‌اند گفت: امام خمینی در کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل» این پرسش را مطرح می‌کنند که چه نسبتی بین رفق و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؟ آیا می‌شود اینها را با هم جمع کرد یا نه؟ و اگر در مواردی با هم قابل جمع نباشد حق تقدم با کدام است؟

این استاد حوزه علمیه ادامه داد: امام خمینی معتقدند

دستور دادن و امر کردن برای مردم، سخت است و انسان از امر و دستور، ذاتاً تنفر دارد. بر این اساس وقتی کسی به انسان، دستور می‌دهد بلافاصله گارد می‌گیرد. بر این اساس، چه می‌شود کرد که هم انسان امر به معروف کرده باشد و هم این تالی فاسد را نداشته باشد؟ امام خمینی در ادامه به مأموریت حضرت موسی (ع) برای ارشاد فرعون، اشاره می‌کنند که در آنجا هم از موسی خواسته شده است که با گفتار نرم با فرعون، سخن بگوید. یعنی حتی در مورد فرعون هم باید قول نرم و لین بکار برده شود. در نهایت، امام خمینی نتیجه می‌گیرند اگر بنا باشد کلامی در فرد، اثر کند باید قول لین باشد. سروش محلاتی با اشاره به ادامه دیدگاه امام خمینی در شرح حدیث، افزود: ایشان می‌خواهد از این آیه استفاده کند که این اصلاً به خاطر شخص فرعون نیست که باید قول لین بکار برد. در کل با زبان نرم است که می‌توان تأثیر در شخصی داشت. وی ادامه داد: امام خمینی اضافه کرده‌اند که گاهی اوقات فردی، فعل منکری را انجام می‌دهد که یک گناه معمولی است ولی شما در اثر امر به معروف و نهی از منکر تندی که می‌کنید او را از این منکر به منکر بالاتری می‌رسانید. امام خمینی معتقدند دستور دادن و امر کردن برای مردم، سخت است و انسان از امر و دستور، ذاتاً تنفر دارد. بر این اساس وقتی کسی به انسان، دستور می‌دهد بلافاصله گارد می‌گیرد. بر این اساس، چه می‌شود کرد که هم انسان امر به معروف کرده باشد و هم این تالی فاسد را نداشته باشد؟ و بعد اضافه کرده‌اند که برخی از این نهی از منکرها موجب کفر و ارتداد طرف می‌شود. یعنی کلاً از دین بیرون می‌رود.

(شبکه اجتهاد)

## افراد مذهبی بیشتر از بی‌دین‌ها عمر می‌کنند.

مذهبی تعلق ندارند، در مواردی مثل حمایت اجتماعی، اقدامات کاهش استرس و پرهیز از عادات ناسالم مشخص می‌شود.

در این مطالعه، یک گروه از دانشجویان دانشگاه اوهایو، بیش از ۱۵۰۰ شرح حال افراد فوت شده از سراسر ایالات متحده آمریکا را بررسی و تحلیل کرده‌اند تا مشخص کنند چه چیزهایی در طول عمر آنها تأثیر داشته است. این مطالعه به تازگی در مجله دانشگاهی «روانشناسی اجتماعی

الکس متیوز کینگ - بر اساس این مطالعات که در سایت ایندیپندنت منتشر شده است، تفاوت میان افرادی که اعمال عبادی مذهبی را انجام می‌دهند و افرادی که به هیچ گروه



دارد. این ویژگی به افراد کمک می کند از پس دو عامل کاهش طول زندگی، یعنی رنج تنهایی و زندگی غیرمتحرک برآیند. همچنین افراد مذهبی با احتمال بیشتری از شیوه های ناسالم زندگی مثل مصرف الکل و مواد مخدر و رفتارهایی که ممکن است بر طول زندگی اثر منفی بگذارد دوری می کنند.

(دین آنلاین)

و علوم شخصیتی» منتشر شده است. بر اساس یافته های این مطالعه افرادی که به طور مرتب در طول حیات شان اعمال مذهبی را انجام می داده اند، بیش از ۵,۶۴ سال بیشتر زندگی کرده اند، و همچنین این مطالعه نشان داده است که زندگی در یک منطقه مذهبی می تواند بر افزایش طول عمر اثر داشته باشد. مشارکت مذهبی اغلب رابطه مستقیمی با افزایش مشارکت در فعالیت های مختلف و پیوستن به گروه های اجتماعی

## هر زن بی حجابی بی عفت نیست.

**مسئله** تاثیر حجاب در عرصه های آرامش روانی فردی، حفظ ارزش و کرامت زن و مرد، استحکام خانواده و استواری و کرامت جامعه چیست؟

کارمندان زن هواپیمایی تایلد سه سال مبارزه کردند تا بتوانند شلوار بپوشند. آنها می گفتند لباسی که به آنها تحمیل شده بود متشکل از دامن های کوتاه، آرامششان را برهم زده بود ضمن اینکه امنیت جنسی نیز نداشتند. بعد از سه سال مبارزه موفق شدند که موافقت مسئولان را برای لباس پوشیده تر بگیرند. من نمی خواهم حرف های فانتزی بزنم و همه تصور کنند ما مسلمان ها هستیم که مواردی مثل حجاب و پوشش را تحمیل می کنیم. زن های تایلندی دین غیر اسلامی داشتند و کارمند هواپیما نیز بودند پس چرا به دنبال پوشش بودند و سه سال برای به دست آوردن آن مبارزه کردند، برای اینکه پوشش برای آنها امنیت روانی می آورده است. وقتی زنی حجاب ندارد در معرض انواع و اقسام تهاجمات قرار می گیرد. زن موجودی ظریف و مرد موجودی طماع است. این موجود ظریف هر چقدر پوشیده تر باشد از طمع طماعان در امان می ماند و از دستبرد طمع گران نجات پیدا می کند. ما یا باید با فرهنگ اصیل خودمان زندگی کنیم یا با فرهنگ وارداتی و باید در این زمینه تکلیفمان روشن شود. اینکه لیبرال دموکراسی غرب می خواهد فرهنگ خودش را به عنوان یک فرهنگ واحد به بشریت تحمیل کند نشدنی است. آنها در دوران مدرنیسم به دنبال این بودند که یک فرهنگ واحد لیبرال دموکراسی در سراسر جهان حاکم شود اما وقتی این اتفاق نیفتاد در دوره پست مدرنیسم بیان کردند که خرده فرهنگها نیز ارزش خودشان را دارند لذا باید باشند. اکنون مشکلمان این است که دنیای غرب

(سید ابوالحسن نواب  
رئیس دانشگاه ادیان و  
مذاهب در گفتگو با  
شفقنا)



**مسئله** فلسفه حجاب و نیاز ما به آن چیست؟

حجاب یک لازمه فطری زن است که در طول تاریخ و در همه ملت ها بوده است. در موزه جنگ شوروی در روسیه تصویر مادر شهیدی که فرزندش را در آغوش گرفته دیده می شود این مادر محجبه است هنگامی که از مسئول موزه درباره حجاب این زن سوال کردم گفت ما اینگونه بودیم اما بعدها ما را به بیراهه کشاندند. در هند و پاکستان لباس زنان پوشیده است، حجاب را فقط روسری ندانیم بلکه حجاب را با پوشیدگی و عفاف همراه بدانیم؛ عفاف در همه ملت ها وجود داشته است. اگر تصاویر مریم مقدس در صد سال گذشته را در هر کدام از موزه های اروپا ببینیم مشاهده خواهیم کرد که در همه تصاویر محجبه است، متأسفانه غربی ها به فرهنگ نیز خیانت کردند. افرادی که خواستند فرهنگ خودشان را جا بیندازند مریم مقدس را هم بی حجاب کردند. مسئله تهاجم فرهنگ غربی به فرهنگ شرقی است. ملت ها در همه دنیا پوشیده بودند، تفکر غربی می خواهد که این پوشیدگی را برطرف کند و بی حجابی را وارد جوامع کند. اگر غرب قصد دارد بی حجابی را وارد جامعه کند چرا به تاریخ، فرهنگ، نقاشی و هنرش خیانت می کند.

می‌خواهد فرهنگ لیبرال دموکراسی خودش را بر ما حاکم کند. فرهنگ انسان‌ها ریشه در اعماق کشور، قوم، منطقه، آداب و رسوم و سنن شان دارد و نمی‌توان آن را خلع کرد. جامعه ما زمانی امنیت خواهد داشت که با فطرت مردمش حرکت کند و فطرت مردم ما پوشیدگی است.

دختر خانمی که با گول خوردن به خیابان می‌رود و روسری از سرش بر می‌دارد نمی‌داند که در درجه اول امنیت خودش را به خطر می‌اندازد؛ این شخص فریب تهاجم فرهنگی غرب را خورده است. اصولاً گفته می‌شود کشف حجاب در ایران توسط رضا شاه انجام شد، این بدان معنی است که حجاب در ایران وجود داشته و پادشاهی آن را برای مردم نیاورده که رضا شاه بخواهد آن را برطرفش کند. در واقع رضا شاه می‌خواست حجابی را که فطرت ملت‌ها بود، بر اساس فرهنگی که از آتا ترک یاد گرفته بود از سر زنان بردارد. بعدها مشاهده کردیم که همان ترکیه، اکنون رأی اکثریتش رأی به حجاب است. در عراق نیز کشف حجاب اجباری صدام جایش را به حجاب مردم داده است. کسی نمی‌خواهد بی‌حجاب باشد. بنابراین سلامت یک جامعه بر اساس فطرت، آداب و رسوم و اعتقاداتش است.

**سؤال** برخی استدلال می‌کنند که عفت فقط حجاب ظاهر نیست و می‌توان قلب را عقیف و پاک نگاه داشت و ضرورتی به پوشش ظاهر نیست.

اینکه می‌گویند قلب باید پاک باشد، طرف مقابل یا شخص متعرض با قلب کار ندارد با جسم کار دارد. حجاب، زن را از دستبرد حفظ می‌کند. مگر ما معتقدیم هر زن بی‌حجابی فرد بی‌عفتی است، ما هیچگاه چنین چیزی نمی‌گوییم بلکه می‌گوییم او خودش را به گونه‌ای پوشانده که در معرض قرار داده است. اگر قلب پاک باشد ولی پوشش او مناسب نباشد از دستبرد در امان نمی‌ماند.

**سؤال** برخی از منتقدان حجاب عملکرد منفی برخی از افراد محجبه را ملاک قرار داده و می‌گویند حجاب دلیلی بر داشتن قلب سلیم نمی‌شود. نقد شما بر این دیدگاه چیست؟

روزی به شیخ عبدالکریم حائری گفته بودند که یک طلبه دزدی کرده است و او گفته بود که بگویند یک دزدی طلبه شده است. حال درباره این موضوع هم تقریباً چنین است، عنوان می‌کنند یک محجبه رفتار نادرست داشته است در حالی که باید بگویند یک محجبه فریب شیطان را خورده است. مگر در زمان پیامبران و یا در زمان صدر

اسلام که حجاب بوده است طنز، عشوهِ گری و تن فروشی زنان نبوده است؛ در طول تاریخ بشریت همیشه عشوهِ گری و تن فروشی بوده، پس زن می‌تواند با هر پوششی رفتار و عملکرد نامناسبی داشته باشد و ما از چنین افرادی دفاع نمی‌کنیم کما اینکه در طول تاریخ نیز چنین مواردی بوده و مصادیقش کم نبوده است. اینکه زن با حجابی فاسد بوده و یا عملکرد نامناسبی داشته چه مجوزی است که دیگری حجاب را رعایت نکند، اگر فردی عفت باطنی داشته باشد اما ظاهرش عقیف نباشد نیز مورد تعرض قرار می‌گیرد.

**سؤال** برخی دیگر از منتقدان حجاب، آن را تبعیض بین زن و مرد معرفی می‌کنند و آن را نوعی محدودیت برای زنان می‌شمرند؟ آیا در شرایط امروز جامعه حجاب و عفاف فقط مختص زنان است و متوجه مردان نیست؟

مردان نیز باید پوشش خود را رعایت کنند و چه کسی می‌گوید یا اجازه می‌دهد که مردها برهنه وارد جامعه شوند، ضمناً بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، مثلاً آیا تفاوتی که بین درخت گردو و خرما وجود دارد مشکلی دارد، اینکه درخت خرما در منطقه سردسیر و خرما در منطقه گرمسیر به بار می‌آید آیا ایرادی دارد، چه کسی می‌پذیرد که طبع زن و مرد یکسان است، آیا فعالیت‌های خشن مردان را زنان می‌توانند انجام دهند و اینکه یک زن می‌تواند انسانی را تربیت کرده و پرورش دهد آیا یک مرد نیز می‌تواند، زن و مرد همانند یکدیگر نیستند. نه فیزیولوژیک آن را قبول دارد و نه ما قبول داریم.

**سؤال** وضع حجاب در شرایط فعلی در جامعه چگونه است؟ من وضعیت حجاب در جامعه را خوب نمی‌بینم و معتقدم که در این زمینه اقدامات تربیتی نداشته ایم و گاهی سختگیری‌های زیادی کرده ایم، مثلاً در برهه‌ای از زمان نسبت به رنگ لباس و پوشش سختگیری کردیم که نتیجه قه‌ری‌اش چنین شده است. ما نباید به رنگ لباس کاری داشته باشیم بلکه باید روی عفاف و عفت عمومی جامعه حساس باشیم. من همه حجاب را فقط روسری نمی‌دانم بلکه پوشش و عفت را نیز جزئی از حجاب می‌دانم.

**سؤال** آیا امیدی به بهبود این وضع هست؟ بله. با کارهای تربیتی می‌توان اوضاع را بهبود بخشید. در زمان شاه وضعیت خیلی بدتر از اکنون بود. اگر کار معتدل، عاقلانه و اخلاقی انجام دهیم می‌توانیم وضعیت کنونی را بهتر کنیم. البته مواردی نظیر نارضایتی‌های

دیگر در سایر مسائل نیز بر روی حجاب تاثیر می‌گذارد؛ برای تغییر این شرایط در جامعه باید با اخلاق، مدارا و تحمل رفتار کنیم؛ دوستانه از افراد بخواهیم که حجاب خود را رعایت کنند؛ من دانشگاه ادیان و مذاهب را اینگونه محجبه کردم و به دانشجویان خانم گفتم که به آنها سخت گیری نمی‌کنیم ولی خودشان رعایت کنند.

**مسئله** راه درست تشویق، ترویج و تحکیم حجاب شرعی چیست؟ راه درست، کار اخلاقی کردن است. باید با بدحجاب با ملایمت و محبت صحبت شود. باید جامعه را با مهر، محبت و تحمل همراه کرد، نگاه‌های غضب آلود نداشت و جامعه را دسته بندی نکرد. با اخلاق و مدارا حتماً جامعه تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. مثلاً یک خانم محجبه در برخورد با یک شخص بی‌حجاب، او را در آغوش بگیرد و با محبت و احترام از او بخواهد که اگر حجابش را رعایت کند بهتر است نه اینکه با چشم غضب آلود به او بگوید خودش را بپوشاند. هر بی‌حجابی را نباید بدکاره تصور کرد و مورد اهانت قرار داد.

**مسئله** برخی قانون حجاب را مورد اشکال قرار می‌دهند و خواهان اختیاری شدن حجاب هستند. دیدگاه شما چیست؟

مدتی است بحث حجاب اجباری در ایران باب شده است در حالی که باید بگویند بی‌حجابی اجباری؛ حجاب در طول تاریخ تمدن‌ها اصل بوده است. اصل حجاب اجباری نبوده است چرا درباره بی‌حجابی اجباری بحث نمی‌شود. حجاب هم فطرت، هم سنت و هم ادب و آداب قدیمی بوده است. اکنون همه زنان هند ساری و هر زنی در پاکستان شلوار و پیراهن می‌پوشد. حجاب رسم ملت‌های شرقی بوده است. بی‌حجابی از غرب وارد و تحمیل شده است. ملت ما با حجاب بودند و همیشه در تمدن ما حجاب بوده است بنابراین بی‌حجابی را قبول نداریم چون بی‌حجابی را وارداتی و سوغات غرب می‌دانیم. بی‌حجابی اصل نبوده است، مگر مادران و اجداد ما بی‌حجاب بودند؟ منظور من مادران مسلمانان نیست بلکه مادران مسیحی، زرتشتی و یهودی ایران است، مگر اینان بی‌حجاب بودند، مگر مردم هند، پاکستان، اندونزی یا کره بی‌حجاب بودند، حجاب وارداتی نیست بلکه بی‌حجابی وارداتی است.

## آیا رفتن به دانشگاه می‌تواند به دیانت افراد لطمه بزند؟

داشته باشد.

نگرش غالب در اکثر دانشگاه‌های سکولار آن است که دانشگاه محلّ تفریح و رهایی از قید و بند دین و ارزش‌ها و تفکرات قدیمی است، در حالی که زندگی مادّی گرایانه صرفاً نوید فریبندگی و هیجانات و ارضای نیازها را می‌دهد، ولیکن در آخر پوچ و توخالی است. ما تنها در صورتی می‌توانیم خود واقعی‌مان باشیم و بیشتر احساس آزادی، شادی و خوشبختی کنیم که آن‌گونه که خدا خواسته شویم.

گریفین یادآوری می‌کند که حفظ ایمان یک تصمیم آگاهانه است و مداومت در انجام اعمال روزانه مذهبی آن را تقویت می‌کند. وقتی انسان مستقلانه درباره مسائل مذهبی خود تصمیم‌گیری می‌کند و اجازه نمی‌دهد تحت‌تأثیر دیگران واقع شود، حتی در سکولارترین محیط‌ها و تحت شدیدترین فشارها نیز هیچ‌کس نخواهد توانست به ایمان او خدشه‌ای وارد کند.

(دین آنلاین)

به گزارش دین آنلاین، خانم **آرورا گریفین** (Aurora Griffin)، مؤلف و پژوهشگر، در کتاب خود «چگونه در هاروارد کاتولیک ماندم» (How I Stayed Catholic at Harvard) چهل نکته کاربردی را مطرح می‌کند که



دانشجویان می‌توانند به کمک آنها اعتقادات خود را حفظ کنند.

گریفین توصیه‌هایی در رابطه با دانشگاهیان، نیایش و مراسم مذهبی‌ای که به او کمک کردند تا در هاروارد کاتولیک بماند و حتی پیشرفت کند مطرح می‌کند. او می‌گوید ارزشمندترین بخش زندگی دانشجویی (یعنی دوستی‌ها، رشد علمی و عقلانی و خاطرات شیرین) زمانی معنا دارتر می‌شود که انسان اعتقادات دینی مستحکم‌تری

## پیشنهادات حمایتی ساواک برای طلاب؛ از راه‌اندازی دانشکده علوم اسلامی تا توجه به مسائل رفاهی

پیشنهاد می‌نماید که دولت در شهرستان قم و در جنب تشکیلات روحانیت اقدام به تأسیس دانشکده ای به نام «دانشکده علوم اسلامی» بنماید؛ با توجه به موارد زیر مزایایی نیز برای آن قائل شود که به تدریج طلاب به سوی آن کشیده شوند و با نظم نوینی تربیت گردند تا هم دارای ارزش اجتماعی از نظر تحصیلی شوند و هم به وضع فعلی رفته رفته خاتمه داده شود و هم از نظر سیاسی مشکلاتی پیش نیاید و در نظر جامعه ملل کشورهای اسلامی اقدام دولت ایران نیز مورد توجه قرار گرفته باشد.

۱. دانشکده‌ای به نام «دانشکده علوم اسلامی» یا نام مناسب دیگری تأسیس گردد که ظرفیت ۳۰۰ نفر (سال اول، دوم و سوم دانشکده) الی ۵۰۰ نفر طلبه داشته باشد.
۲. ساختمانی متناسب با اصول از نظر بهداشت و سبک معماری با کلیه وسائل رفاه که در هر اتاق دو طلبه بتوانند زندگی کنند، در نظر گرفته شود که دارای روشویی و توالت و حمام باشد و لاقفل چند سالن بزرگ برای محل درس و سخنرانی داشته باشد و اگر این دانشکده دارای استخر شنا باشد بس جالب و نظر طلاب از این جهت نیز تأمین می‌گردد.
۳. چون اکثر طلاب فاقد مدرک تحصیلی هستند برای ورود به دانشکده، کنکور گذاشته شود تا افراد با استعداد موفق به ورود در دانشکده شده و به تحصیلات خود ادامه دهند.
۴. در این دانشکده رشته‌های علوم عقلی و فلسفه و رشته‌های علوم نقلی که شامل فقه و اصول و منطق و علم الحدیث در حال ادبیات فارسی و عربی است، تدریس گردد.
۵. رشته واعظ و خطابه در برنامه دانشکده گنجانده شود و طلابی که در این زمینه آمادگی و استعداد دارند، تربیت و به امر تحصیل بپردازند.
۶. رشته تحقیق و تتبع درباره علوم اسلامی و نشر تألیفات در رشته زبان اردو و انگلیسی در دانشکده تدریس شود.
۷. در محل دانشکده وسایل ورزشی تهیه گردد که طلاب صبح‌ها قبل از شروع ساعت درس ساعتی به امر ورزش

به گزارش دین‌آنلاین خبرگزاری حوزه متن این نامه را که منتشر کرده از کتاب «مدرسه فیضیه» پایگاه‌های انقلاب اسلامی به روایت ساواک برگرفته است: از ساواک قم



به مدیریت کل اداره سوم به استحضار می‌رساند که یک طبقه از اجتماع امروزی که با اصلاحات اقتصادی و پیشرفت‌های اجتماعی مخالفت‌هایی دارند و با هرگونه طرح و اصلاحی مبارزه می‌کنند، طبقه روحانیون موجود بوده که هنوز به حمایت جناح‌های دیگر امیدوار می‌باشند. این طبقه با لویح انقلاب مخالفت و عملاً از طبقه فئودال جانبداری نموده که با ضربات مداوم نیروی درهم شکسته شده ولی تسلیم نگردیده و گاه بیگانه نغمه‌هایی از گوشه و کنار سر می‌دهد. گردانندگان این قشر از اجتماع که همان مراجع روحانی می‌باشند به ظاهر خود را دوست و یار و یاور طلاب قلمداد کرده اند در صورتی که خود از هویت و شناسایی طلاب کاملاً آگاه نیستند و کمتر تمایلی هم به شناسایی طلاب و کنترل نمودن آنان ندارند و در واقع کیفیت را فدای کمیت و زندگی طلاب را وقف اشتها خود نموده‌اند. برای خاتمه دادن به وضع نابسامان و بی‌انتظام شش هزار و پانصد طلبه و اصلاح امور این طبقه و جلب و کنترل نمودن آنان که از لحاظ وضع زندگی و نداشتن محل مناسب مسکونی و تحصیلی به خصوص تنگ دستی که در بدترین شرایط زندگی می‌کنند و در ماه با ماهیانه از سیصد الی یک‌هزار ریال از ابتدائی‌ترین زندگی استفاده می‌کنند و به منظور تحریک بخشیدن به افراد این طبقه و از بین بردن این کانون چرکی در پیکره شهرستان قم که عناصر ناپاک بی‌وطن با پرداخت جزئی پول قادر خواهند بود طلاب را به راه دیگری بکشانند و به منظور جلوگیری از هرگونه بی‌بند و باری و لجام گسیختگی این گروه

بپردازند.

۸. در شرایط فعلی با توجه به ضعف مادی طلاب، اصلح است احتیاجات غذایی و لباس و وسایل استراحت طلاب فراهم گردد. (به مثابه دانشکده افسری)

۹. تعطیلات محصلین دانشکده متناسب با جنبه‌های دینی و مذهبی باشد با این کیفیت که ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان برای تبلیغ آزادی داشته باشند به این معنی که تعطیلات سه ماهه سالانه منحصر به این سه ماه باشد.

۱۰. کتب درسی فعلاً از نوع کتاب موجود باشد و به تدریج در نحوه چاپ و مطالب آن تغییراتی داده شود.

۱۱. انتخاب بهترین استادان و مدرسین از فضایی حوزه علمیه قم که جنبه روحانیت مدرسین روحانی محفوظ و ملحوظ گردیده باشد.

۱۲. بعد از امتحان کنکور طلابی که موفقیت حاصل نمودند از طرف وزارت آموزش و پرورش اخذ مدرک آنان تثبیت گردد.

۱۳. طلابی که مرحله مقدماتی را پایان داده اند پس از موفقیت در امر کنکور در سال اول دانشکده مشغول تحصیل در رشته انتخابیه می‌گردند.

۱۴. طلابی که مرحله سطح را طی کرده‌اند پس از موفقیت در امر کنکور در سال دوم دانشکده، رشته انتخابیه را دنبال می‌کنند.

۱۵. طلابی که مرحله خارج را طی کرده‌اند پس از موفقیت در امر کنکور در سال سوم دانشکده، رشته انتخابیه را به

پایان رسانیده و موفق به اخذ دانشنامه لیسانس گردیده و از مزایای قانونی آن استفاده خواهند کرد.

اینک مزایای این اقدام را به استحضار می‌رساند:

الف) ابتداء موقعیت فعلی مراجع از جهت پولی که به طلاب می‌دهند متزلزل و طبیعتاً موجبات تضعیف آنان فراهم می‌گردد.

ب) طلاب این دانشکده با مقررات موضوعه که جهت آنان وضع شده آشنا و خود و دانشکده مزبور را مطابق و همپایه دانشکده‌های دیگر کشور مشاهده می‌نمایند.

ج) این دانشکده در تمام ممالک اسلامی معروفیت خاصی پیدا می‌کند و از جنبه‌های مختلف تأسیس آن روح سازگاری دولت را با روحانیت تثبیت و انعکاس آن در کشورهای دیگر اسلامی اثر بسیار مطلوبی خواهد داشت.

د) زندگی طلاب بلا تکلیف و نابسامان به وجه احسن رو به بهبودی خواهد گرائید و تحت تأثیر افکار آلوده و چرکین مراجع قرار نخواهد گرفت.

ه) توجه فرد فرد آنان (به مراجع) شاهانه بیش از پیش معطوف و با کمال از اقدامی چنین بزرگ، شاکر و سپاسگذار خواهند بود.

با توجه به پیشنهاد معروضه و تشریح خصائص تأسیس دانشکده علوم اسلامی در این شهرستان، مقرر فرمائید پس از بررسی‌های لازم اوامر عالی را در این خصوص امر به ابلاغ فرمایند.

رئیس ساواک قم - مهرا

(دین‌آنلاین)





## صاحب‌نظران و اندیشمندان گرامی

**صفیر حیات** رسالت خود می‌داند که در هر شماره، موضوعی نظری را در حوزه اندیشه دینی و اجتماعی با مشارکت صاحب‌نظران و اندیشمندان به بحث بگذارد و از این طریق به غنا و عمق معارف دینی یاری رساند. صاحبان نظر و اندیشه می‌توانند برای بحث در باب موضوعات ارائه شده، مقالات خود را به آدرس:

قم / خیابان شهداء / کوچه ۳۷ / کوچه پنجم / پلاک ۱۶۲  
کد پستی: ۴۷۶۶۴ - ۳۷۱۳۷  
دفتر نشریه صفیر حیات و یا به آدرس الکترونیکی نشریه:  
safir.hayat@yahoo.com

ارسال نمایند.

خوانندگان محترم نشریه می‌توانند **صفیر حیات** را در تلگرام دنبال کنند:  
[https://t.me/safire\\_hayat](https://t.me/safire_hayat)

## موضوع ویژه شماره بعد:

### ضرورت گفتگو در جامعه دینی

سامانه پیام کوتاه نشریه «صفیر حیات» آماده دریافت نظرات و پیشنهادات شما علاقه‌مندان و خوانندگان گرامی می‌باشد.

۵۰۰۰۱۷۱۷۳۳۳